

مقدمه ناشر

در زمان‌های دور، توی خیلی سبز یه همکاری داشتیم که در کنار کتاب‌های قوی‌ای که برای ما می‌نوشت رؤیاهای بزرگ دیگه‌ای هم توی سرش بود و اون رؤیاها چیزی نبود، جز واردات و صادرات از کشورهای عربی مثل عمان و امارات و ...

همین باعث شده بود یه پشیمونی بزرگ داشته باشه که «اگر من عربی فول بودم ... اگر بلد بودم راحت عربی حرف بزنم ... دیگه عربا به گرد پام هم نمی‌رسیدن و توی این کار خیلی خفن می‌شدم». از کجا می‌دونید زندگی به کجاها می‌برتون؟ از کجا می‌دونید در آینده رؤیاهاتون تغییر جهت نمی‌دن؟؟

شاید شما اون پزشکی بودید که می‌ره توی برج‌های کویت و امارات مریض می‌بینه یا شاید اون مهندس خفنی که همون بُرجا رو می‌سازه ...؛ پس زبان عربی رو دست کم نگیرید ...؛ شاید یه روزی یه قدم به خواسته‌هاتون نزدیک‌ترتون کنه ...

مقدمه مؤلف

بعد الحمد،

در عصر حاضر، ذائقه و علاقه دانش‌آموزان بیشتر به سمت مطالعه مطالب کوتاه، دسته‌بندی‌شده و مصور است؛ لذا معمولاً مجموعه کتاب‌های جیبی که بخشی از این ویژگی‌ها را دارند مورد استقبال قرار می‌گیرند. ما تلاش کرده‌ایم علی‌رغم حجم کم، مطالب مهم و پرکاربرد عربی دهم را به همراه مجموعه‌ای از سؤالات مهم و پرکاربرد را در این کتاب بیاوریم.

در این کتاب تلاش شده است که تمام مطالب کتاب درسی با رویکرد پاسخگویی به سؤالات امتحان نهایی در صفحاتی جذاب ارائه شود. امید است دانش‌آموزان عزیز با خواندن این کتاب، نتایج قابل قبولی بگیرند.

ساختار کلی کتاب

- 1 لغتنامه (واژه‌های متن درس، حوار، تمرین، جدول متضاد، مترادف و جمع مکسر)
- 2 ترجمه عبارات کلیدی کتاب درسی
- 3 قواعد (آموزش با زبانی ساده و روان به همراه مثال و سؤالات تشریحی)
- 4 آزمون پایانی

وصال او ز عمر جاودان به
خداوندا مرا آن ده که آن به

فهرست مطالب

٩	ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ + اَلتَّعَاظُ	اَلدَّرْسُ اَلْأَوَّلُ
٢٨	اَلْقَوَاعِظُ اَلْعَدَدِيَّةُ + ...	اَلدَّرْسُ اَلثَّانِي
٤٠	مَطَرُ السَّمَكِ + ...	اَلدَّرْسُ اَلثَّالِثُ
٥٤	اَلتَّعَايِشُ اَلسُّلْمِيُّ + ...	اَلدَّرْسُ اَلرَّابِعُ
٤٧	﴿ هَذَا خَلَقَ اللهُ ﴾ + ...	اَلدَّرْسُ اَلخَامِسُ
٨٢	ذُو اَلْقَرْنَيْنِ + ...	اَلدَّرْسُ اَلسَّادِسُ
٩٤	يَا مَنْ فِي اَلْبَحَارِ عَجَائِبُهُ + ...	اَلدَّرْسُ اَلسَّابِعُ
١١٠	صِنَاعَةُ اَلتَّلْمِيْعِ فِي اَلْأَدَبِ اَلْفَارْسِيِّ + ...	اَلدَّرْسُ اَلثَّامِنُ
١٢٢		درك مطلب
١٣٢		آزمون ها
١٤٢		پاسخ نامه تشریحی

ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ



واژگان

■ واژگان «متن درس»

ذَٰكَ: آن	يُخْرِجُ: درمی آورد (ماضی: أَخْرَجَ)
ذَات: دارای	جَدْوَةٌ: پاره آتش
ذَا: این	مُسْتَعِيرَةٌ: فروزان
ذُو: دارای	ضِيَاء: روشنایی
زَانٌ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ)	أَوْجَدٌ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ)
عُصُون: شاخه‌ها	سَرْرَةٌ: اخگر (پاره آتش)
نَضِيرَةٌ: تر و تازه	أَنْعَم: نعمت‌ها
نَمَتْ: رشد کرد (مؤنثِ نَمَا)، (مضارع: يَنْمُو)	مُنْهَمِرَةٌ: ریزان
حَبَّةٌ: دانه	بَالِغٌ: کامل
صَارَتْ: شد، گردید (مؤنثِ صَارَ)، (مضارع: يَصِيرُ)	مُقْتَدِرَةٌ: توانا، نیرومند
قُلٌ: بگو (فعل امر، ماضی: قَالَ / مضارع: يَقُولُ)	أَنْجَمٌ: ستارگان
	دَرَزٌ: مرواریدها
	عَمِيمٌ: ابر
	أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يُنْزِلُ)

■ واژگان «حوار»

حِوَارٌ: گفت‌وگو

تَعَارَفٌ: آشنایی

- مَطَار: فرودگاه
- مَرْقَد: آرامگاه
- قَاعَة: سالن
- مُؤَطَّف: کارمند
- مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه
- أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم (متکلم وحده)
- شَاءَ: خواست (مضارع: يَشَاءُ)
- إِلَى اللَّقَاءِ: به امید دیدار

واژگان «تمارین»

- | | |
|--|--|
| بِدَايَة: آغاز | تَرْجَمَ: ترجمه کن، فعل امر (ماضی: تَرَجَمَ) |
| قَصِير: کوتاه | وَاجِبَات: تکالیف |
| مُسْتَعِيناً بِ: با استفاده از | ضَعَّ: قرار بده، فعل امر، (ماضی: وَضَعَ / مضارع: يَضَعُ) |
| مُعْجَم: واژه‌نامه | غَالِيَة: گران |
| إِيْحَتْ: جست‌وجو کن، فعل امر (ماضی: يَحْتُ / مضارع: يَبْحَثُ) | رَخِيصَة: ارزان |
| بَحْث: پژوهش | أَبْيَض: سفید |
| عَقَارِب: عقربه‌ها | يَدَوْرُ: می‌چرخد (ماضی: دَارَ) |
| | مَلَابِس: لباس‌ها |
| | فُسْتَان: پیراهن زنانه |
| | بَطَّارِيَة: باتری |
| | فَرَاغ: جای خالی |
| | يَمِين: راست |
| | يَسَار: چپ |
| | مَسْمُوح: مُجاز |
| | شِرَاء: خرید |
| | رَقَدَ: خوابید (مضارع: يَرْقُدُ) |
| | رَاسِب: مردود |



متضاد

ناجِح (موفق) ≠ راسب (مردود)

قَرِيب (نزدیک) ≠ بعید (دور)

جَمیل (زیبا) ≠ قَبیح (زشت)

قَصیر (کوتاه) ≠ طَویل (بلند)

بَیْع (فروش) ≠ شِراء (خرید)

نِسائیَّة (زنانه) ≠ رِجالیَّة (مردانه)

ضیاء (روشنایی) ≠ ظلام (تاریکی)

بالِغَة (کامل) ≠ ناقِصَة (ناقص)

أَبْیَض (سفید) ≠ أَسْوَد (سیاه)

نِهایَة (پایان) ≠ بَدایَة (آغاز)

یَسار (چپ) ≠ یَمین (راست)

غالیَّة (گران) ≠ رَحیصَة (ارزان)

مَمْنوع (غیرمجاز) ≠ مَسْموح (مجاز)

مترادف

أَنْعَم = نِعَم (نعمت‌ها)

عَیْم = سَحاب (ابر)

قَاعَة = صالَة (سالن)

شاء = أَراد (خواست)

کَوکَب = نَجْم (ستاره)

فائِز = ناجِح (برنده، پیروز)

رَقَدَ = نام (خوابید)

مُجْتَهِد = مُجِدِّد (تلاشگر)

ذالک = ذلک (آن)

ذات = ذو، ذاء، ذی (دارای)

ذا = هذا (این)

عُصون = أَعْصان (شاخه‌ها)

صارتْ = أَصْبَحَتْ (شد، گردید)

ثَمَرَة = فاکِهَة (میوه)

جَدْوَة = شَرَرَة (پاره آتش)

ضیاء = نور (روشنایی)

جمع مکسر

معنی مفرد	مفرد	جمع
دوست	صديق	أَصْدِقَاءُ
عقربه	عَقْرَبَةٌ	عَقَارِبُ
واژه‌نامه	مُعْجَمٌ	مُعَاجِمٌ
صیغه	صِيغَةٌ	صِيغٌ
باران	مَطَرٌ	أَمْطَارٌ
نامه	رِسَالَةٌ	رِسَائِلٌ
فعل	فِعْلٌ	أَفْعَالٌ
جمله	جُمْلَةٌ	جُمَلٌ
پژوهش	بَحْثٌ	أَبْحَاثٌ
تمرین	تَمْرِينٌ	تَمَارِينٌ

معنی مفرد	مفرد	جمع
شاخه	عُصْنٌ	عُصُونٌ، أَغْصَانٌ
دانه	حَبَّةٌ	حُبُوبٌ
نعمت	نِعْمَةٌ	أَنْعَمٌ
ستاره	نَجْمٌ	أَنْجُمٌ
مروارید	دُرٌّ	دُرَرٌ
سنگ	حَجَرٌ	أَحْجَارٌ
لباس	مَلْبَسٌ	مَلَابِسٌ
رنگ	لَوْنٌ	أَلْوَانٌ
پیراهن زنانه	فُسْتَانٌ	فُسَاتِينٌ

ترجمه عبارات مهم

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾: ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

ذاك هو الله: آن همان خداست.

ذاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ: دارای شاخه‌های تر و تازه

مَنْ ذَا؟: این کیست؟



مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ؟: این چه کسی است که پدید آورد؟
 أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ: نعمت‌هایش ریزان است.
 زَانَهُ بِأَنْجُمٍ: با ستارگانی آن را زینت کرد.
 التَّعَاوُفُ فِي الْمَطَارِ: آشنایی در فرودگاه
 أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
 مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟: اهل کجایی؟
 مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟: اسم شریف شما چیست؟
 أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ: دوست دارم که سفر کنم.
 إِنْ شَاءَ اللَّهُ: اگر خداوند بخواهد.
 صَعُ فِي الدَّائِرَةِ: در دایره قرار بده.
 كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ: سیاره‌ای که دور زمین می‌چرخد.
 الْمَلَابِسُ النَّسَائِيَّةُ: لباس‌های زنانه
 ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ: دارای رنگ‌های مختلف
 مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ: با استفاده از یک واژه‌نامه
 ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا﴾: و
 در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند ای خدای ما این را بیهوده
 نیافریدی.

قواعد درس اول

در این درس آموخته‌های پیشین را یادآوری می‌کنیم.

۱. انواع فعل

فعل، مهم‌ترین رکن یک جمله است و اگر بتوانیم آن را به خوبی بشناسیم و دقیق ترجمه کنیم، گام بلندی در یادگیری زبان عربی برداشته‌ایم.

الف. فعل ماضی، مضارع، امر، نهی و صیغه‌های آن‌ها

نام صیغه به فارسی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعَلْ	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
		هِنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	



روش ساخت فعل امر:

الف فعل امر از مضارع مخاطب (دوم شخص) ساخته می‌شود.

ب حرف مضارعه (ت) را حذف و آخر فعل را تغییر می‌دهیم اگر آخر فعل ضمه (ـَ) بود آن را به ساکن (ـِ) تبدیل می‌کنیم و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم (به جز جمع مؤنث).]



چ بعد از حذف «ت» چون اولین حرف ساکن است «الف» می‌آوریم و برای مشخص کردن حرکت آن به عین‌الفعل (حرکت حرف دوم) توجه می‌کنیم. اگر عین‌الفعل فتحه (ـَ) یا کسره (ـِ) بود «الف» را کسره (ـِ) می‌دهیم و اگر ضمه (ـُ) بود «الف»، ضمه (ـُ) می‌گیرد.



جَلَسَ ← مَضَارِعُ مَخَاطَبِ (دوم شخص) ← تَجَلَّسَ ← جَلَسَ ← اجْتَلَسَ: بنشین

فَهَمَ ← مَضَارِعُ مَخَاطَبِ (دوم شخص) ← تَفَهَّمَ ← فَهَمَ ← أَفْهَمَ: بفهم

كَتَبَ ← مَضَارِعُ مَخَاطَبِ (دوم شخص) ← تَكْتَبُ ← كَتَبَ ← اُكْتُبُ: بنویس

تَذْهَبُونَ ← ذَهَبُوا: بروید

تَشْكُرُونَ ← شَكَرْنَا: سپاس‌گزاری کنید («ن» جمع مؤنث حذف نمی‌شود).



روش ساخت فعل نهی:

لا + مَضَارِعُ مَخَاطَبِ (دوم شخص) = فعل نهی

توجه: «لا» نهی آخر فعل را تغییر می‌دهد | اگر آخر فعل ضمه (ـُ) باشد آن را ساکن (ـَ) می‌کنیم و اگر آخر فعل «ن» داشته باشد آن را حذف می‌کنیم (به‌جز جمع مؤنث).

لا تَجْلِسَانِ: ننشینید (دو نفر)

لا تَكْتُبُ: بنویس

أَنْتَ لَا تَذْهَبِينَ: شما نروید

نمونه سؤال های امتحانی

واژه‌شناسی

- الف) تَرْجِمِ الكلماتِ الَّتِي تَحْتِهَا حَطًّا. (۱ نمره)
- ۱- رَأَيْتُ أَحَدَ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ.
 - ۲- أَنْعَمَ اللهُ مِنْهُمْ لَنَا.
 - ۳- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.
 - ۴- الْغُصُونُ النَّضْرَةُ فِي الرَّبِيعِ جَمِيلَةٌ جَدًّا.
- ب) ضَعِ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمْتَضَادَاتِ فِي الْفَرَاغَاتِ (= ، ≠) [كلمتان زائدتان]. (۱ نمره)

قريب - يمين - شراء - ناجح - مُجَدِّد - ممنوع - نهاية - نام

- ۵- راسِبٌ ≠
 ۶- رَقَدَ =
 ۷- مسموحٌ ≠
 ۸- يَسَارٌ ≠

ترجمه

- ج) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ:
- ۹- زَانَ اللهُ السَّمَاءَ بِأَنْجَمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.
 - ۱۰- أَنْظِرُوا إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَةً.
 - ۱۱- الْغَيْمُ بِخَاژٍ مِتْرَاكِمٍ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
 - ۱۲- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
- د) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:
- ۱۳- جَعَلَ: قَرَارٌ دَاد
 - (۱) لَا يَجْعَلُونَ:
 - (۲) لَا تَجْعَلُوا:
 - (۳) كُنْتُمْ قَدْ جَعَلْتُمْ:

١٤- سَافَرَ: مسافرت كرد

(١) كُنَّ يُسَافِرْنَ:

(٢) سوفَ يُسَافِرَانِ:

(٣) ما سافروا:

قواعد

١٥- صَعَّ هَذِهِ الْجَمَلِ وَ التَّرَاكِيِبِ فِي مَكَانِيهَا الْمُنَاسِبِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا. (١/٥ نمره)

هذَانِ الدَّلِيلَانِ - هُوَآءِ الْعِلْمَاءِ - تَلِكِ بَطَّارِيَّةٍ - هَاتَانِ طَالِبَتَانِ - أَوْلَئِكَ الصَّالِحَاتِ

مفرد مؤنث	جمع مذكّر	مثنى مؤنث	
			معنى

•• ه) أكتب نوع الفعلين ثم ترجمهما. (١ نمره)

١٦- هُنَّ لَا يَجْلِسْنَ فِي الصَّفِّ.

نوع الفعل
الترجمة

١٧- هُمْ كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ.

نوع الفعل
الترجمة

درک مطلب



درک مطلب درس اول

إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:
النجوم هي الأجسام التي نُشَاهِدُهَا لَيْلًا فِي السَّمَاءِ بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ الشَّمْسِ
ولكن لِبُعْدِهَا الكَثِيرِ عَنَّا نُشَاهِدُهَا صَغِيرَةً.

في قديم الزمان كان للنجوم دورٌ (نقش) عظيمٌ في حياة البشرِ مثل النجمة
القُطْبِيَّةِ الَّتِي تهتدي بِهَ المَسَافِرُونَ فِي البَرِّ وَ البَحْرِ. بَعْضُ النجوم لها نورٌ و
حرارةٌ مِنْ ذاتِهَا وَ الأُخْرَى ليس لها نورٌ و حرارةٌ. الليل جميلٌ جَدًّا لِأَنَّ اللّهَ زَانَ
الليلَ بِأَنجِمٍ كَالدَّرَرِ المُنْتَشِرَةِ.

- ۱- ماذا فائدة النجم القطبي؟
- ۲- لماذا نُشَاهِدُ بَعْضَ النجوم الكَبِيرَةَ صَغِيرَةً؟
- ۳- هل القمر له نورٌ و حرارةٌ لذاته؟
- ۴- هل يقدرُ الإنسانُ مُشَاهَدَةَ النجوم فِي النَهارِ؟

پاسخ

•• متن زیر را بخوانید، سپس متناسب با متن به سؤالات پاسخ دهید.
ستارگان اجسامی هستند که شبانگاه آن‌ها را در آسمان می‌بینیم. بعضی
از آن‌ها بزرگ‌تر از خورشید هستند، ولی به دلیل فاصله بسیارشان آن‌ها را
کوچک می‌بینیم.

در زمان قدیم ستارگان نقش بزرگی در زندگی بشر داشتند، مثلاً ستاره
قطبی مسافران را در خشکی و دریا راهنمایی می‌کرد. بعضی ستارگان از



خودشان نور و حرارتی دارند، ولی برخی دیگر هیچ نور و حرارتی ندارند. شب واقعاً زیباست، زیرا خداوند شب را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داده است.

- ۱ ستاره قطبی چه فایده‌ای دارد؟ یهتدی المسافرون بالتجم القطبی.
- ۲ چرا بعضی از ستارگان بزرگ را به صورت کوچک می‌بینیم؟ نُشاهد بعض النجوم صغيرة لبعدها الكثير عنا.
- ۳ آیا ماه نور و حرارت از خودش دارد؟ لا لیس له نور و حرارة من ذاته.
- ۴ آیا انسان در روز قادر به دیدن ستارگان است؟ لا، لأن النجوم نشاهدھا لیلاً فی السماء.

درک مطلب درس دوم

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص.
تتشارك الموجودات الحيّة بخصائص ثلاث؛ أولها التنفس و ثانيها حوائجها الغريزية و ثالثها استمرار نموها إلى نهاية حياتها. بعض الحيوانات تعيش عدّة ساعات و الأخرى عدّة سنوات، بعض الأشجار تعيش أكثر من مئة سنة و بعضها أقل. مثلاً النخل يعيش أربعين سنة و يبلغ ارتفاعه ۲۷ متراً. أما الإنسان بسبب التقدّمات الطبیّة يعيش الآن أكثر بالنسبة إلى الماضي:

۱- لماذا يعيش الإنسان الآن أكثر بالسنة إلى الماضي؟

۲- أي شجرة تعيش أربعين سنة؟

۳- ما هو ثاني خصائص الموجودات الحيّة؟

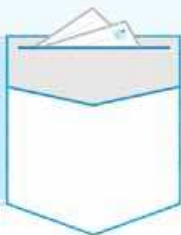
۴- كم يبلغ ارتفاع شجرة النخل؟

پاسخ

●● متن زیر را بخوان، سپس با توجه به متن به سوالات پاسخ بده.

موجودات زنده در سه ویژگی مشترک هستند؛ اولین آن‌ها تنفس و دومین آن‌ها نیازهای غریزی و سومین آن‌ها ادامه رشدشان تا انتهای زندگی‌شان است.

آزمونها



آزمون نوبت اول

الف. تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: (١ نمره)

١- يَسْحَبُ الأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ.

٢- مَنْ يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ فَهُوَ عَمِيلُ العَدُوِّ.

٣- مَتَى ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الحِكْمَةِ؟

٤- أَنْظِرْ إِلَى الغَيْمِ.

ب. أَكْتُبْ مَفْرَدَ أَوْ جَمْعَ الكَلِمَتَيْنِ: (٥/٥ نمره)

٥- ذَاكِرَةٌ:

٦- بِقَاعٌ:

ج. عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي المَعْنَى: (٥/٥ نمره)

٧- التلوج إحصار الأمطار الأسرة

٨- السَّمَاعُ الحِلْمُ أقدام الصِّدْرُ

د. تَرْجِمِ هَذِهِ الجُمْلَ: (٥ نمره)

٩- ﴿عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الأَرْضِ هَوْنًا﴾ (٧٥/٥ نمره)

١٠- زَانَ اللّٰهُ الأَنْجَمَ كالأَنْجَمِ المُنْتَشِرَةِ. (٥/٥ نمره)

١١- ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا وَلا تَفَرَّقُوا...﴾ (٧٥/٥ نمره)

١٢- فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الظَّاهِرَةِ حَتَّى تُصَدِّقَ. (٧٥/٥ نمره)

١٣- إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا. (٧٥/٥ نمره)

١٤- يَخْتَفِلُ النَّاسُ بِهَذَا اليَوْمِ وَ يُسَمَوْنَهُ «مَهْرَجَانِ». (٧٥/٥ نمره)

١٥- النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا أَكْثَرَ مِنْهَا. (٧٥/٥ نمره)

هـ. اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (۱ نمره)

۱۶- اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ...

۱) نماز را به پا داشتند و زکات دادند.

۲) نماز را به پا دارید و زکات بدهید.

۱۷- هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتِ الدُّخُولِ؟

۱) آیا بلیط‌های ورود دارید؟

۲) آیا توان ورود دارید؟

۱۸- جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِثَّةَ جَزْءٍ.

۱) خداوند رحمت را صد بخش قرار داد.

۲) خداوند رحمتش را صد جزء قرار داد.

۱۹- يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ.

۱) خداوند بر آزادی بیان تأکید می‌کند.

۲) قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند.

و. كَمَّلَ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (۱/۵ نمره)

۲۰- اَنْظُرُوا اِلَى الْاَشْجَارِ الَّتِي لَهَا عُصُونٌ نَضِرَةٌ.

به درختانی که تر و تازه دارند

۲۱- ﴿قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ﴾

بگو ای اهل کتاب به سوی کلمه‌ای که بین ما و بین شما است.

۲۲- هَلْ تَعْلَمِينَ اَنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِثَّةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

آیا که از موجودات جهان حشرات هستند؟

ز. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ: (۳ نمره)

كَلَّفَ: تَكْلِيفِ دَاد

۲۳- لَا يُكَلِّفُ:

۲۴- مَا كَلَّفُوا:

۲۵- كَلَّفْتُمْ:

جَعَلَ: قَرَارِ دَاد

۲۶- اِجْعَلُوا:

۲۷- لَا تَجْعَلُوا:

۲۸- لَا يَجْعَلُونَ:

حَاوَلَ: تَلَاشِ كَرْد

۲۹- حَاوَلْتِ:

۳۰- لَا يَحَاوِلْنَ:

۳۱- مُحَاوَلَةٌ:



ل. اقرأ النَّصَّ التالي ثم أجب عن الاسئلة: (٢ نمره)

كان نوح نبيّاً من الأنبياء العظام. أرسله الله إلى قومه ولكن قوم نوح رَفَضُوا الإيمان و التوحيد و اسْتَمَرَّوْا على عبادة الأصنام. خاطب نوح رَّبَّهُ و قال: يا رَبِّ إِنِّي دعوتُ قومي ليلاً و نهاراً ولكنهم ما أطاعوا. أَمَرَ اللهُ (تعالى) نوحاً أن يَصْنَعَ سفينةً كبيرةً و أن يَحْمِلَ في السفينة ذكراً و أنثى من كلِّ نوع من المخلوقات و أَمَرَ أن يَحْمِلَ مَعَهُ أهله و المؤمنين من قومه. ثُمَّ أَمَرَ اللهُ السماء أن تُمْطِرَ فَنَزَلَ مِنْهَا الماء الكثير و أغرَقَ كُلَّ الكفار حتى ابنه.

٥١- بما أَمَرَ اللهُ (تعالى) نوحاً؟

٥٢- لماذا جاء العذاب لقوم نوح؟

٥٣- هَلْ أَمَرَ اللهُ نوحاً أن يَحْمِلَ أهله و قومه فقط؟

٥٤- عَيَّن الصفة و المضاف اليه في الجملة الأخيرة.

آزمون (١) نوبت دوم

الف. ترجم الكلمات التي تحتها خطاً: (١ نمره)

١- دخلنا في صالة التفتيش بالجمارك.

٢- يلاحظ الناس غيمة سوداء.

٣- وصفت كل ملج.

٤- نرجو منك إغلاق هذا المصيق.

ب. أكتب مفرد أو جمع الكلمتين: (٥/٥ نمره)

٥- غصن:

٦- أذنان:

ج. أكتب المتضادتين و المترادفتين: (٥/٥ نمره)

حميم - صداع - صلح - مسموح - غالية

٨- سلم =

٧- رخيصة ≠

د. تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ: (۵ نمره)

۹- حَيَّرَت هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سِنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. (۷۵/۰ نمره)

۱۰- إِنَّاكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ. (۷۵/۰ نمره)

۱۱- وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا. (۱ نمره)

۱۲- مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ / حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ (۱ نمره)

۱۳- فَاغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وَصُولِهِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ. (۷۵/۰ نمره)

۱۴- يَلْعَقُ الْقِطَّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ. (۷۵/۰ نمره)

ه. اِنْتَجِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. (۱ نمره)

۱۵- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكُذْبُ.

۱) بخل و دروغ دو ویژگی هستند که در مؤمن جمع نشده است.

۲) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی شود: بخل و دروغ.

۱۶- زَمَلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ.

۱) همکلاسی هایم در درس یکسان هستند.

۲) همکلاسی ام در درس با من یکسان است.

۱۷- هَلْ يَضْنَعُ الْخُفَّاشُ وَكِنَّةً فِي جِدَارِ بَيْتٍ قَدِيمٍ؟

۱) آیا خفاش لانه ای را در دیوار خانه ای قدیمی می سازد؟

۲) آیا خفاش لانه خود را در دیوار یک خانه قدیمی می سازد؟

۱۸- شَهْرُ رَمَضَانَ أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ.

۱) ماه رمضان است که خداوند در آن قرآن را نازل کرد.

۲) ماه رمضان (ماهی است) که در آن قرآن نازل شد.

و. كَمَّلِ الْقَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (۱/۵ نمره)

۱۹- هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَعِينَ الْبَشَرَ يَوْمًا بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمَدْنِ؟

آیا ممکن است که روزی بشر از باکتری های برای روشن کردن

..... استفاده کند؟

۲۰- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

پروردگارا، به من دانش و مرا به درستکاران



پاسخ سؤال امتحانی درس اول

- ۱- یکی از کارمندان را در سالن فرودگاه دیدم.
- ۲- نعمت‌های خداوند برای ما ریزان است.
- ۳- ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد.
- ۴- شاخه‌های ترو تازه در بهار واقعاً زیبا است.
- ۵- رایسب (مردود) \neq ناجح (موفق)
- ۶- رَقَدَ \neq نام (خوابید)
- ۷- مَسْمُوح (مجاز) \neq ممنوع (غیرمجاز)
- ۸- یَسَار (چپ) \neq یَمین (راست)
- ۹- خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مروارید زینت داد.
- ۱۰- به خورشیدی که پارهٔ آتش آن فروزان است نگاه کنید.
- ۱۱- ابر بخاری متراکم در آسمان است که از آن باران می‌بارد.
- ۱۲- پروردگارا، این (جهان) را بیهوده نیافریدی.
- ۱۳- جَعَلَ: قرار داد
- ۱۴- قرار نمی‌دهند (مضارع منفی) **۱** قرار ندهید (نهی) **۲** قرار داده بودید (ماضی بعید)
- ۱۴- سافر: مسافرت کرد
- ۱ مسافرت می‌کردند (ماضی استمراری) **۱** مسافرت خواهند کرد (مستقبل)
- ۲ مسافرت نکردند (ماضی منفی)

۱۵-

مفرد مؤنث	جمع مذکر	مثنی مؤنث
تلك بطّارِیة	هؤلاء العلماء	هاتانِ طالبتان
آن باتری است.	این دانشمندان	این دو، دانش‌آموز هستند.
		معنی



۱۶- آنها در کلاس نمی‌نشینند.

مضارع منفی	نوع الفعل
نمی‌نشینند	الترجمه

۱۷- با دقت می‌نوشتند.

ماضی استمراری	نوع الفعل
می‌نوشتند	الترجمه



پاسخ آزمون نوبت اول

- ۱- ماهی‌ها را به آسمان می‌کشد.
- ۲- هر کس به تفرقه دعوت کند، او مزدور دشمن است.
- ۳- چه زمانی چشمه‌های حکمت آشکار می‌شود؟
- ۴- به ابر نگاه کن.
- ۵- ذاکرة (خاطره) ← جمع مکسر ذکریات (خاطرات)
- ۶- بقاع (قطعه‌های زمین) ← مفرد بقعة (قطعه زمین)
- ۷- برف‌ها طوفان باران‌ها خانواده
- ۸- شنیدن بردباری گام‌ها سینه
- ۹- و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند.
- ۱۰- خداوند ستارگان را همانند مرواریدهای پراکنده زینت کرد.
- ۱۱- و به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید.
- ۱۲- به این پدیده نگاه کن تا باور کنی.
- ۱۳- هرگاه دو نفر با یکدیگر آرام سخن گویند، میان آن‌ها وارد نشو.
- ۱۴- مردم در این روز جشن می‌گیرند و آن را جشنواره می‌نامند.
- ۱۵- مورچه می‌تواند چیزی را که بیشتر از وزنش است، بلند کند.
- ۱۶- **کزیبه ۲**: [أقیموا (فعل امر): به پا دارید - أتوا (فعل امر): بدهید]

- ۱۷- **گزینه ۱**: [بطاقة: کارت، بلیط]
- ۱۸- **گزینه ۱**: [در گزینه (۲) «الرحمة» به اشتباه «رحمتش» ترجمه شده است.]
- ۱۹- **گزینه ۲**: [بؤگد (مضارع): تأکید می کند]
- ۲۰- شاخه های - نگاه کنید
- ۲۱- پیش بیایید - یکسان
- ۲۲- می دانی - ۸۰ درصد
- ۲۳- تکلیف نمی کند (مضارع منفی)
- ۲۴- تکلیف نکردند (ماضی منفی)
- ۲۵- تکلیف کردید (ماضی)
- ۲۶- قرار بدهید (امر)
- ۲۷- قرار ندهید (مثنی - نهی)
- ۲۸- قرار نمی دهند (مضارع منفی)
- ۲۹- تلاش کردی (ماضی)
- ۳۰- تلاش نمی کنند (مضارع منفی - جمع مؤنث)
- ۳۱- تلاش کردن (مصدر)
- ۳۲- بریده نمی شوید (مضارع منفی)
- ۳۳- بریده شدن (مصدر)
- ۳۴- بریده شدند (ماضی) - بریده شوید (امر، جمع مؤنث غایب)
- ۳۵- تسعین $65 + 25 = 90$
- ۳۶- ستّة و اربعون $92 \div 2 = 46$
- ۳۷- عشرون $100 \div 5 = 20$
- ۳۸- اربعة و عشرين $47 - 23 = 24$
- ۳۹- تَعْمَلُ [زیرا «والدة» مؤنث است، پس فعل آن باید مؤنث باشد.]
- ۴۰- أَتَخَرَّجُ [«تَخَرَّجْتُ: فارغ التحصیل شدم» ماضی است و با «سوف»

که ببارد و از آن آب فراوانی فرود آمد و همه کفار را حتی فرزندش را غرق کرد.

۵۱- خداوند (تعالی) چه دستوری به نوح داد؟

أمر الله نوحاً أن يَصْنَعَ سفينة كبرى.

۵۲- چرا برای قوم نوح عذاب آمد؟

لأنهم رَفَضُوا الإيمان و التَّوْحِيدَ و ما أطاعوا نوحاً.

۵۳- آیا خداوند به نوح امر کرد که فقط خانواده و قومش را سوار کند؟

لا أَمَرَ اللهُ أن يَحْمِلَ فِي السَّفِينَةِ ذَكَراً و أنثى مِنْ كُلِّ نَوْعٍ مِنَ المخلوقات ثم أهله و المؤمنین مِنْ قومه.

۵۴- صفة: الماء الكثير - كَلَّ الكفار

صفت مضاف اليه

پاسخ آزمون (۱) نوبت دوم

۱- به سالن بازرسی در گمرک وارد شدیم.

۲- مردم ابر سیاهی را می بینند.

۳- هر بانمکی را توصیف کردم.

۴- از تو بستن این تنگه را می خواهیم.

۵- عُصْن (مفرد) ❖ عُصُون (شاخه ها)

۶- أذنان (جمع مکسر) ❖ ذَنب (دُم)

۷- رخیصة (ارزان) ≠ غالية (گران)

۸- سَلْم = صلح (آرامش، صلح)

۹- این پدیده سالیان طولانی مردم را حیرت زده کرد و برای آن پاسخی نیافتند.

۱۰- شما حتی در برابر قطعه های زمین و چهارپایان مسئول هستید.

۱۱- نوح را به سوی قومش فرستادیم، در میان آن ها ۹۵۰ سال درنگ کرد.

- ۱۲- هر کس تجربه شده را بیازماید، پشیمانی بر او فرود می آید.
- ۱۳- بارسیدن او فرصت را غنیمت شمردند، زیرا آن‌ها در عذاب سختی بودند.
- ۱۴- گربه زخمش را چند بار لیس می زند تا بهبود یابد.
- ۱۵- ﴿كَزِبْتَهُ﴾ [«لَا تَجْتَمِعُ: جمع نمی شود» مضارع منفی است، ولی در گزینه (۱) به صورت ماضی منفی (جمع نشده است) ترجمه شد.]
- ۱۶- ﴿كَزِبْتَهُ﴾ [«زُملاء: همکلاسی‌هایم» جمع است، ولی در گزینه (۲) به صورت مفرد (همکلاسی‌ام ترجمه شده است). - در گزینه (۲) «با من» اضافی ترجمه شده است.]
- ۱۷- ﴿كَزِبْتَهُ﴾ [«وَكُنْتَهُ لانه‌اش» در گزینه (۱) ضمیر «ه» ترجمه نشده است.]
- ۱۸- ﴿كَزِبْتَهُ﴾ [«أَنْزَلَ: نازل شد» فعل مجهول است، ولی در گزینه (۱) به صورت معلوم (نازل کرد) ترجمه شده است. - در گزینه (۱) «خداوند» اضافی ترجمه شده است.]
- ۱۹- نورانی (المضیئة) - شهرها (المُدُن)
- ۲۰- ببخش (هَبْ) - برسان، ملحق کن (أَلْحَقْنِي)